

12 Apr 2016

رجب ۱۳۳۷

فروردین

اجماع حکم واقعی و ظاهری :

امکان اجماع وجود دارد . موضوع حکم ظاهری مساوت از حکم واقعی است

۱. در حکم ظاهر، اوقیت هون — در واقع واجب باست

۲. اماره برابر با اماره ~~ظاهری~~ قائم شود یعنی سارع

تکلیف این عقل (دعا) در حق کسی که در وجوب واقعی شک دارد

مباح است و به اماره حجتی به هر

در نتیجه ۱. حکم ظاهری و حکم واقعی در حکمی اجماع کردند

عذر در اجماع دو حکم تکلیفی است چرا که مبادی آنها با هم شافی دارند

مقتضی خارجی و حقیقی برای امکان

الف ۱ خارجی : عاوه و ذهن در خارج هم ، الان موجود است

ب ۱ حقیقی : هم ذهن ، هم نفسیه هم حال ، هم آئینه نیاز به وجود آن ندارد .
منم که گوشه میانه خانه من است دمای پیرمغان درد بنگاه من است

۰۰۶۵۴۳۲۱

۲۵

13 Apr 2016
رجب ۱۴۳۷

فروردین

احکام شرعی

مقتضی خارجی : در آنجا افراد معینی در خارج مورد نظر و

اساره قرار می گیرند و حکم عقلاً بر آنجا جاری می شود

۵ اگر اهل هوله العلماء المومنین

مقتضی حقیقی : بر بزرگ موضوع شرعی جعل شده

۶ اگر اهل آن عالم

یعنی حکم به وجوب اگر اهل برای هر عالمی که فرض شود

باج می شود هر چند بعد از عالم های توانه بعد از برای

مقتضی حقیقی با سو

زمانیکه مقتضی اراده بلکه استنباط حکم شرعی را

① یاد دلیلی پیراجی کند که در واقع از نبوت حکم شرعی
نسفی کند

② یاد دلیلی پیراجی کند که وظیفی عملی را در مقابل واقع ای که حکم
تجمل است مصین کند

پس جهت گای علم اصول

① ادله ی محرز : عناصر مستتر در کار استیفاء که دلی قدار لرغنی آغا
جمعه

به اعتبار نسفی آغا از حکم واقعی است

② اصول عملیه : عناصر مستتر در کار استیفاء که

به عنوان ادله برای تعیین وظیفی عملی در مقابل حکم شرعی تجمل قرار گرفته

[نکته : ادله محرز و اصول عملیه در عرف هم نسبت به یک در طول هم هستند]

به یاد یار و دیار آن چنان بکریم زار که از جهان رده و رسم نغیر اندازم

۳۱ ۳۰ ۲۹ ۲۸ ۲۷ ۲۶ ۲۵ ۲۴ ۲۳ ۲۲ ۲۱ ۲۰ ۱۹ ۱۸ ۱۷ ۱۶ ۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

افراد در اصول

در هر واقعه‌ای ما اصل عملی را داریم که وظیفه‌ی مملکت

را همین‌گونه است اگر چه به دلیل حصر دست بیارند

از اصول عملی کم می‌گیرد

← عفت هیچ وقت خالی از دلایل نیست اول دلیل حصر را بیاوریم که

اگر نبود اصل عملی

(دکته : ادله همیشگی مقدار برای اصول عملی هستند)

فک عنصر مشترک میان ادله‌ی حصر و اصول عملی :

(مجبیه قطع)

۱۱ قطع : انگشتان مطالبی ، در حدی که هیچ شکلی همراه آن نباشد

منعزیت

مجبیه قطع

معهزیت

طرح برای بحث کنون شود مقرر که طلاق ابروی یارفش مندرج شد

مغذیه : مصحح عقاب است

حجیه قطع

در جای که عید با مولی خود در انجام

تکلیفی که به آن قطع دارد مخالفت کند

مغذیه : طایفی استحقاق عقاب است در جای که عید با

مولای خود به سبب عمل به قطع خود مخالفت کند

در اصولی برای مسائل اصولی یا زنده حجیه قطع است

چرا که اگر بر عین در ظهور صیغی افضل فی الوجوب علم داشت باس و ولی

قطع ندانسته باسو به ظهور این حجیه هیچ حائذه ای براس حاصل نمی شود

چرا که حتماً باید در مرتبه سابق حجیه قطع را دانسته باسو

18 Apr 2016

رجب ۱۴۳۷

فروردین

حجیه قطع

① کاشفیه از واقع می کند : (کاشفیه صفتی بوده برای از واقع)

کاشفیه عینی حقیقیه قطع است

عین انکشاف است نه چیزی برای انکشاف

② تحریر : کاشی از کشف است و حقیقیه تلویحی برای قطع است

سجده نشسته زمانی که قطع به وجود آب دارد به طرف آن مکان

کتاب فی سواد

منحصر به : استحقاق عفا برخالف

③ حجیه به معنای

معذره : عفا استحقاق عفا برخالف

با قبول ادبی و روحی ، سوتی حاصل نمی شود

✓

نخواب حافظ غزلهای فراقی

وصال دوستان روزی مایه

پس برای اثبات حجیه چه کنیم

۳۱ ۳۰ ۲۹ ۲۸ ۲۷ ۲۶ ۲۵ ۲۴ ۲۳ ۲۲ ۲۱ ۲۰ ۱۹ ۱۸ ۱۷ ۱۶ ۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

منجزیه قطع :

حقیقه لازم ذاتی برای قطع است

ملک حراره که لازم ذاتی آنست است

پس قطع به ذاته لازم می آورد منجزیه را و معنی خود موی می تواند قطع، از قاطع

ملک که چون این امر عقلاً محال است و حقیقه ای که می تواند از چنان گرفت

(موی می تواند قطع، از قاطع بپذیرد معنی قاطع، از قاطع بودن خودش خارج می کند)

و مستحق قطع دارد این شراب است و صریح .

موی می تواند به او بگوید که با وجود قطعیت به شراب و حرمت آن، انجور

بلکه

می گوید این چه شرابی است که رنگ دجری شراب ندارد پس ملک به

سگ می افتد و قطع او زائل می شود پس قاطع از قاطع بودنش خارج شود

الف) منجزیه قاطع برای قطع و از لوازم ذات قطع است :

ب) محال است ملک جهت از قطع چون لازم ذات از ذات منفک می شود

صوفی ناکه زود نخری ست شدی
شکاهش نکران باش که سرخوش باشد

سوال : کدام قطع منجز است ؟

ج. قطع به تکلیف موی نه تکلیف هر کسی

سوال : موی کیست ؟

هر کسی که حق اطاعت برایش ثابت است

هر کسی که عمل مفیدی کند به موجب امثال به تکلیف نیست و استحقاق عطا
برای مخالفش

منجزیه ثابت = فرض بودن امر موی
(به مجرد)

تقریم حق اطاعت : قطع به تکلیف کسی واجب الامثال است که امثال به

تکلیفیت ایجاب می کند امثالش را و این در مبنی دارد امر بودن موی را

سوال : حدود حق اطاعت
معاذات و افعال را در بر می گیرد ؟

امضا من به قطع به تکلیف دارد

کنند را نمی شناسد آبی به زور و نه سر زنت این کار

۳۱ ۳۰ ۲۹ ۲۸ ۲۷ ۲۶ ۲۵ ۲۴ ۲۳ ۲۲ ۲۱ ۲۰ ۱۹ ۱۸ ۱۷ ۱۶ ۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

روز بزرگداشت سعدی

مه جماد الاول ۱۴۳۷

محرم ۱۴۳۷

نظر مستحضر (ره)

حق الطاعة : هر گاه کسی که انسان را مستر باشد

ولوبه الحال یا من تا زمانیکه موی اجاره می ترخیص نکرده باشد

ملاک در حق الطاعة ← خبر دانسان

ضی

اقالی

حق

منجزیت برای قطع به ماحو قطع ثابت نیست

بلکه برای ما هو انسان ثابت است

ولادت حضرت امام علی (ع) (۲۳ سال قبل از هجرت) (تعطیل) - آغاز ایام البیض (اعتکاف) - تأسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (۱۳۵۸ ه.ش) - سالروز اعلام انقلاب فرهنگی (۱۳۵۹ ه.ش)

مقتضی روح

منجزیت از حد قطع به تلف جبرای باید بر است و

موی می تواند با صدور ترخیص مخالفت با قطع اصدار کند و آن را از منجزیت جدا کند

مقتضی صریح است

ترک ماسوی کس نمیکند آه از این کبریا و جاه و جلال

(ترصیف)

آن روی اجازتی ~~ترصیف~~ مخالفت با تکلف مطلق را

صا در کند: /
این ترصیف - علم واقعی

در هر دو باطل وقتی یکی باطل
مقدّم ص باطل

علم ظاهری

ترصیف - واقعی : حال است : چرا که تکلف واقعی مطلق با است

از نظر قاطع مبارک در واقع برای او تکلفی ثابت کرد

و حال آنکه ابا ج. واقعی (ترصیف) از طرف مولی

ظاهر است = اجتماع ضدین

(این را در اجتماع ضدین مراحلاً تکلفی توضیح دارم)

ظاهری : حال است : در تقریف علم ظاهری نفی در موضوعی شک اخبر

الان من قطع دارم پس اصلاً هیچ شک در کار نیست

یکشنبه

۵

24 Apr 2016

رجب ۱۳۳۷

اردیبهشت

ظن و احتمال مانند قطع منجز است با تکلیف

منجزیت قطع : غیر معلق است

منجزیت ظن و احتمال : معلق و مشروط به عدم اصرار ترخیص ظاهری در ترک
احیاء

لـ ظن به تکلیف و احتمال وجود تکلیف به موجب مسائل حق الطاعه است احتیاط
می شود

ولی ← این احتیاط عقلی مشروط به عدم ورود برائت شرعی از عذر شرعی
است و اگر شرع اجازه ای احبای برائت را دارد و ملجوبی برای حکم عقل بای می ماند

چون
← حکم عقل از اول مشروط به عدم اصرار ترخیص ظاهری بود

معدرتی قطع : اگر تکلیف به عدم تکلیف قطع بیه کرد و در واقع

و برخلاف قطع او تکلیفی ثابت بود ، مولی حق تو بیخ و معاقبه را ندارد

دوشنبه

۶

25 Apr 2016

رجب ۱۳۳۷

اردیبهشت

(۱) احصا می‌به حالت انکساف دارد

حدود معذرت

(۲) عفو می‌به حالت عذر انکساف

برای تعیین حدود به تعریف حق الطاعه نگاه می‌کنیم:

(۲۱) صرف بودن تکالیف نزد مولی در شریعت است و ما کاری به آن نداریم.

در این حالت معذرت محال است زیرا عقل چگونه حکم کند به انجام کار که

حتی اجمال آن را هم نمی‌دهد.

۱۱ حق الطاعه آن چیزی است که مکلف آن را کسب کند حتی به درجه اجمال

در این صورت مکلف معذراست زیرا عقل حکم می‌کند به انجام آن کار

بالاین که ما اجمال به آن تکلیف داریم.